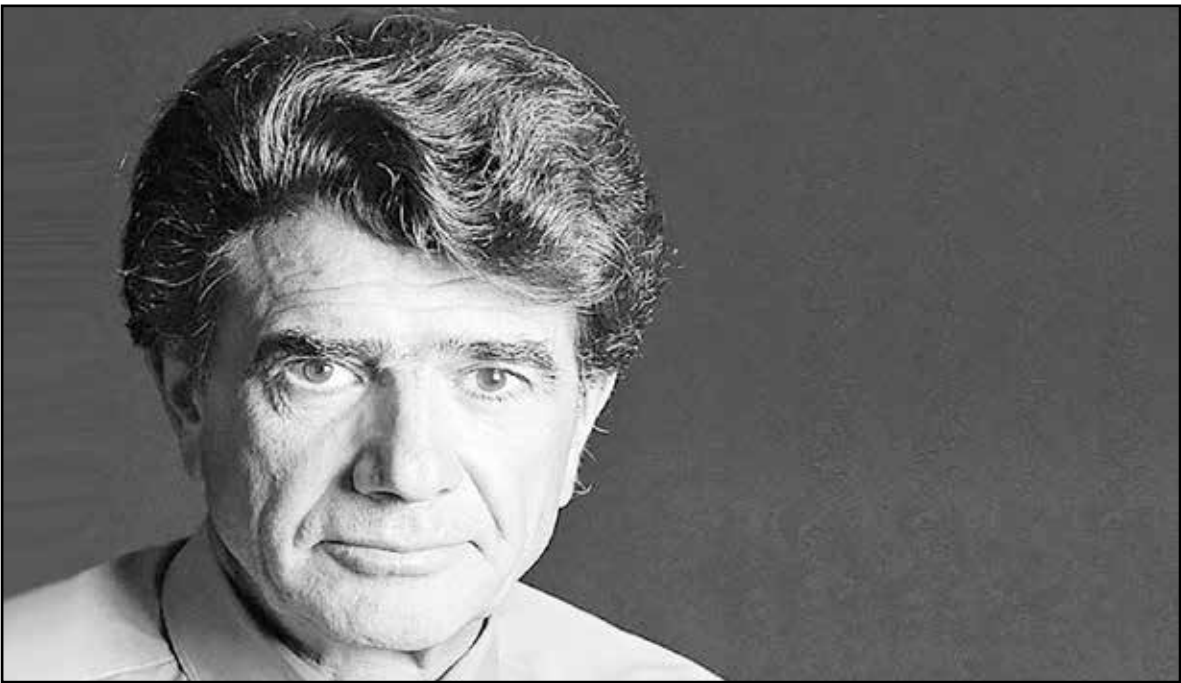


تحرکات پوپولیستی تمامی ندارد

روز ملی موسیقی؛ به نام استاد شجریان، به کام گعده‌ای خاص



بینا یاری

هیچ گشایشی حاصل نشده است. (فراموش نباید کرد که پیشتر در سال ۸۴ همزمان با سالروز تولد فارابی خانه موسیقی درخواست روز ملی موسیقی را از شورای فرهنگ عمومی برای ۹ مهر ماه کرده بود و در این زمینه نیز سخنرانی‌های اعضای خانه موسیقی موجود است). از این رو سخن راندن و مطرح کردن خواسته‌ای به نام روز موسیقی در تاریخ تولد استاد شجریان، اول مهر ماه، نه تنها عجیب و ناشدنی می‌نماید و بیشتر به مانور و عملیات نمایشی‌ای با اسم استاد شجریان شبیه است بلکه اصل ماجرای زمینه رانیز نمی‌تواند پنهان سازد که هنر موسیقی طفیلی این چهار دهه است و پرداختن به روز موسیقی آن قدر دور از خواسته‌های اهالی موسیقی و گرفتاری‌هایشان است که همانند مقام مسئول سازمان‌دهی حقوق کارگران بگوییم که اگر چه نمی‌توانیم وضعیت کولبران را سامان دهیم؛ اما روزی برای قدردانی از آنها در تقویم درج می‌کنیم. از این رو نه تنها این خواسته بجا نبوده که مضحک نیز تعبیر خواهد شد.

آنچه مسلم است استاد شجریان جایگاه والایی از منظر هنر آواز در دیدگاه عموم مردم ایران دارد چرا که

او شنیده‌شده‌ترین صدای ایران است و همگان بادعای ربنا‌ی او خاطره‌هایی آسمانی دارند. اما آیا برای تمام مردم ایران و فرهنگ کشورمان شجریان نماد موسیقی است؟ یا می‌خواهیم از او نمادی برای موسیقی بسازیم؟ یا اینکه می‌خواهیم با مهم کردن زادروز استاد شجریان خود جلوه‌گری کنیم؟ این سرزمین از گذشته تا امروز خود اساتید بزرگی در موسیقی را پرورده که هر کدام جایگاهی بلندمرتبه داشته‌اند و تکرار نشده‌اند لار جحان یک استاد توسط شاگردانش که اکنون تریبونی در اختیار دارند برای نامیدن روز تولد استادشان به نام روز ملی موسیقی تنها فضای جامعه موسیقی را دچار چنددستگی و تشنج می‌کند. بماند که در گذشته خانه موسیقی روز تولد معلم ثانی، فارابی، فیلسوف، دانشمند، منجم، ریاضیدان و موسیقیدان بزرگ قرن سوم و چهارم هجری را برای این منظور، به شورای فرهنگ عمومی پیشنهاد کرده بود و اکنون چه شده است که این خواسته به نفع شخصی دستخوش تغییرات شده و از معلم ثانی بزرگ که استاد جامع‌الاطراف در علم دوران‌ها بود صرف‌نظر کرده‌ایم؟

اینکه اساساً خانه موسیقی و مدیرانش سال‌هاست ادعای کار

در این دو دهه فعالیتش حداقل ذره‌ای در این مساله پیشرفت حاصل می‌شد آنگاه ماحصل دستاوردش را در روزی به‌عنوان موسیقی جشن می‌گرفت؛ و اگر مدیران اجرایی خانه موسیقی ذره‌ای به مسائل صنفی آشنا بودند می‌دانستند که نباید پشت یک استاد سنگر بگیرند و ناتوانی‌ها و بی‌مسئولیتی‌های خود را در سنگر گرفتن پشت نام یک استاد بزرگ پنهان کنند و از این رو استادی را مهم‌تر از دیگران جلوه دهند که این کار مغایر با تمام اصول صنفی است.

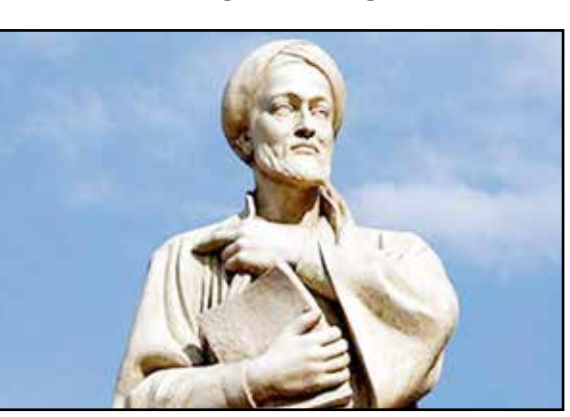
در این سال‌ها عملکرد خانه موسیقی به نفع اهالی موسیقی نبوده است، اما مدام با اتخاذ رویکردهای پوپولیستی خواسته است تا عموم مردم را تحت‌تأثیر قرار دهد و به فعالیت مفید تظاهر کند که نمونه‌اش در همین پیشنهاد روز تولد استاد شجریان برای نام‌گذاری به نام روز ملی موسیقی مشهود است.

صنفی دارند و در عمل چیزی در راستای بهبود عملکرد صنف مشاهده نشده و یا به نفع موزیسین‌ها اقدامی نکرده‌اند هم دلیل این مساله است که بیشتر مخالفان خانه موسیقی را بر این نام‌گذاری تهییج کند. (نباید فراموش کرد که خانه موسیقی در این سال‌ها توانسته بیشتر از عضوگیری بر تعداد منتقدانش بیفزاید) چرا که اگر خانه موسیقی به مسائل صنفی اهمیت می‌داد یک استاد را بر دیگری ترجیح نمی‌داد و حقوق همه اعضا و موزیسین‌های غیرعضو نیز در آن یک اندازه مهم شمرده می‌شدند. و ضمناً این خانه برای در دست جا انداختن موسیقی و درآوردن آن از وضعیت مبهم تلاش می‌کرد نه اینکه تنها با شعارها و حرکات نمایشی بخواهد خود را مشغول به امور موسیقی نشان دهد. اینکه خانه موسیقی تاکنون هیچ دستاوردی برای موزیسین‌ها نداشته است یک معضل جدی است و اینکه همیشه اعضای این خانه فعالیت صنفی را تحت نام بزرگ شجریان به مسائل تیمی و گروهی تقلیل داده‌اند معضل دیگری است. اگر برای خانه موسیقی روز موسیقی مهم بود در راستای تعیین تکلیف برای وضعیت مبهم موسیقی تلاش می‌کرد و دست کم

ضمن آنکه هیچ‌کسی در این دوران زیست عارفانه و زاهدانه نداشته است که از زندگی امروزی

در این سال‌ها عملکرد خانه موسیقی به نفع اهالی موسیقی نبوده است، اما مدام با اتخاذ رویکردهای پوپولیستی خواسته است تا عموم مردم را تحت‌تأثیر قرار دهد و به فعالیت مفید تظاهر کند که نمونه‌اش در همین پیشنهاد روز تولد استاد شجریان برای نام‌گذاری به نام روز ملی موسیقی مشهود است.

به دور باشد و در میان مردم نزیسته باشد. از این رو در میان مردم، همانند دیگران، اساتید نیز دارای موافقین و مخالفینی هستند که بسیاری از آن‌ها مدت‌هاست در خفا و آشکارا مسائلی را مطرح ساخته‌اند که درست نیست اکنون میدان برای ابراز این گونه مخالفت‌ها و افشای مسائلی روی داده در گذشته فراهم شود که بدخواهان قدرتمند استاد شجریان را خشنود سازد. از این رو چنانچه خانه موسیقی دانسته در این فضا افتاده است باید گفت که دوباره در راهی در تضاد با خواسته و منافع موزیسین‌ها گام برداشته و اگر نادانسته چنین کرده است که با این امر هر آنچه ناتوانی در برآورد خواسته‌های موزیسین‌ها در دوران شیوع کرونا و تحمیل گرفتاری‌ها بدان‌ها داشته‌اند را در این هیاهو پنهان کنند.



موسیقی به این سخنان وقعی نمی‌نهد و برای او سخنان منتقدین اهمیت ندارد چرا که او مصمم است از دفتر موسیقی سکوی پرتابی برای خود به پست‌های بزرگ‌تر دولتی بسازد و در این راستا سیاست‌های مدیر نامحبوب اسبق جشنواره فجر را در توزیع جوایز به آلبوم‌ها راهکار بهتری در مراوده با اهالی موسیقی می‌داند که این روزها در شرایط تحمیلی بیماری کرونا هر روز بدتر از دیروز امور خود را می‌گذرانند. اینکه مدیر دفتر موسیقی در مدت زمان زمامداری خود در دفتر موسیقی چقدر توانسته برای اهالی موسیقی مفید باشد و پروسه مجوزگیری را کوتاه کند، گویا برای مدیر دفتر موسیقی اهمیتی کمتر از جایزه باربد جشنواره موسیقی فجر دارد و درجه اهمیت این دو مساله برای این نهاد عوض شده است. به هر حال تجربه ثابت کرده است در سال‌های پایانی دولت‌ها، مدیران دولتی سخت در تلاش برای یافتن پست آینده خویش‌اند و از هر راهی برای رسیدن به آن کمک می‌گیرند.

ارزش‌گذاری و داوری درباره آثار نهی کردند چرا که شایسته نیست وزارت ارشاد و دفتر موسیقی درباره آلبوم‌ها جهت‌گیری داشته باشند و درست نیست که مرجع مجوزدهنده خود نیز جایزه‌دهنده باشد و بهتر است نهادهای غیردولتی به این کار مبادرت ورزند. اما آن گونه که پیداست مدیر دفتر



دهن‌کجی به منتقدان و تداوم روند جایزه دادن به خود!

همان زمان نیز بسیاری از منتقدان وضعیت صنفی موسیقی وزارت ارشاد و جشنواره موسیقی فجر را از هر گونه دخالت و حصار دورانش رسید. حمیدرضا نوربخش در مقام مدیر عامل خانه موسیقی این گونه می‌خواست از تمامی کسانی که او را این بار در قامت یک مدیر دولتی در وزارت ارشاد برای برگزاری جشنواره یاری داده‌اند سپاسگزاری کند و با آوردن هر کدام به جشنواره دایره اطرافیان خود را گسترده سازد و مراودات در جامعه حرفه‌ای موسیقی را با استفاده از فرصت جشنواره بیشتر سازد تا بلکه مدیریت خود را مهم جلوه دهد که عملاً با وضعیت اسفناکی که در جهت‌گیری داوری‌ها به نفع خود به وجود آمد این خیالات و رویاها نیز نقش بر آب شد و بیشتر ساز مخالفان جشنواره و شخص نوربخش را کوک کرد.

با انتشار فراخوان حضور در بخش رقابتی سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر مشخص شد مدیر دفتر موسیقی که حالا با تغییر آیین‌نامه جشنواره فجر خود نیز رئیس جشنواره موسیقی فجر خواهد بود؛ طبق علاقه‌مندی خویش به مدیران اسبق جشنواره می‌خواهد دنباله‌رو آنان باشد و تفکری که در دوره مدیریت حمیدرضا نوربخش در جشنواره فجر بدعت‌گذاری شد را ادامه دهد. اینکه مدیر دفتر موسیقی بر اساس چه دلایلی علاقه‌مند به جایزه دادن به آثار تولیدی و آلبوم‌هاست هنوز پوشیده است؛ اما دلیلی که در دوران سی و دوم و سوم جشنواره موسیقی فجر جایزه‌ای به نام باربد را حمیدرضا نوربخش ایجاد کرد را می‌توان از نحوه توزیع جوایز دانست که به‌طور مثال

اختصاص ۳۲۰ میلیون به ۳۲ انجمن موسیقی استان‌ها



دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در قالب تفاهم‌نامه‌ای با ادارات کل ارشاد استان‌ها، مبلغ ۳۲۰ میلیون تومان به انجمن‌های موسیقی اختصاص می‌دهد. به گزارش روابط عمومی دفتر موسیقی، معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در قالب تفاهم‌نامه‌ای با ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها، مبلغ ۳۲۰ میلیون تومان به انجمن‌های موسیقی اختصاص می‌دهد. این اقدام در راستای حمایت از فعالیت‌های موسیقایی و تقویت انجمن‌های موسیقی استان‌ها در سال جاری صورت گرفته است. مبلغ مورد نظر برای ۳۲ شعبه انجمن موسیقی ایران در مراکز استانی در نظر گرفته شده است. ضمن اینکه تفاهم‌نامه‌های مذکور، بر اساس برنامه‌ها و پیشنهاد دفتر موسیقی تهیه و به امضای مدیران کل ادارات استانی رسیده است. علاوه بر این، دفتر موسیقی برنامه‌هایی نیز در حمایت از اجراهای آنلاین در دست اقدام دارد.

استقبال مخاطبان مجازی چین از اجرای گروه «لیان»

سیزدهمین فستیوال بین‌المللی هنرهای جوان کشور چین از گروه موسیقی «لیان» بوشهر به سرپرستی محسن شریفیان قدردانی کرد. محسن شریفیان نوازنده و پژوهشگر موسیقی که طی سال‌های اخیر با گروه «لیان» بوشهر موفق به حضور در چندین فستیوال بین‌المللی شده اعلام کرد: «در روزهای گذشته به دعوت مدیران برگزاری سیزدهمین فستیوال بین‌المللی «هنرهای جوان» که یکی از رویدادهای مهم حوزه موسیقی در کشور چین است، به یک اجرا در فضای مجازی دعوت شدیم که ما هم بر اساس همکاری‌های قبلی که با هنرمندان چینی داشتیم، پذیرفتیم تا در این فستیوال حضور داشته باشیم. اگر چه برنامه اجراشده از سوی گروه «لیان» به شکل مجازی بیش روی مخاطبان قرار گرفت اما خوشبختانه رسانه‌های دیداری و شنیداری چین استقبال خوبی از برنامه به عمل آورده و از این اجرا بسیار رضایت داشتند و در نهایت هم از سوی مسئولان برگزاری فستیوال لوح تقدیر به ما اهدا شد. به هر حال آنچه مدنظر ما برای حضور در این رویدادهاست حرکت در مسیر توسعه آن هم در شرایط فعلی دنیا است. چرا که اصلاً مایل نیستیم در این ماه‌های منتهی به کرونا که همه در حالت انفعال قرار دارند، یکجا بنشینیم و بامید به آینده فقط صبر کنیم تا شاید اتفاقی در آینده بیفتد. اکنون بسیاری از هنرمندان موسیقی در شرایطی قرار دارند که به هیچ‌عنوان نباید منتظر حمایت‌های دولتی باشند چرا که شرایط به گونه‌ای نیست که بخواهیم با اتکا به این حمایت‌هایی که گفته می‌شود فعالیت پر نشاط داشته باشیم.»

سرنا نواز موسیقی لرستان درگذشت



عزیز بساق از سرنا نوازان پیشکسوت موسیقی لرستان هفته گذشته بر اثر بیماری قلبی درگذشت. عزیز بساق بعد از ظهر روز سه‌شنبه بیستم آبان ۱۳۹۹ در بیمارستان شهید ولیان الیگودرز بر اثر بیماری قلبی و بزرگ شدن قلب از دنیا رفت. او در سال‌های گذشته از بیماری‌های جسمی زیادی رنج می‌برد. مرحوم بساق از هنرمندان مطرح موسیقی نواحی لرستان و اهل شهرستان الیگودرز بود. او یکی از شمال‌های بزرگ این منطقه به‌شمار می‌رفت. این شمال از نسل و تبار شاه میرزا مرادی از نوازندگان بزرگ موسیقی لرستان بود که به نوعی نسل آخر نوازندگان این منطقه را تشکیل می‌دهند.